

کتابخانه ایرانی
iransische Bibliothek in Hannover

انقلاب پرشکوه

کارگران و زحمتکشان ایران

رژیم جمهوری اسلامی رابه

گورستان تاریخ خواهد سپرد!

کارگران جهان متحد شوید!

سنگار

سازمان پیگرد راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۰ - بهار ۲۰۱۰

سرمقاله

انفجار در نخست وزیری، وضع زبونی رژیم خمینی!

اسفجاریک بمب در دفتر نخست وزیری در هفته گذشته که منجر به کشته شدن سران طراز اول رژیم ارتجاعی حاکم (یعنی رجا شی و با هنر) گردید و نیز چند روز پس از آن یک بمب در مرکز "دادستانی انقلاب اسلامی" که قدوسی جلاد رابه دیوار نیستی رهسپار کرد با رد بگر ضعف و زبونی رژیم و وضع رقت با رو آشفته درونی آن را در برابر دیدگان همه بطور آشکار نمایان ساخت. سیستم امنیتی "۳۶ میلیونی" رژیم هم ضیاع است برای اوکاری انجام دهد و علیرغم آنکه رژیم حادنه ۷ سیر "افکار مقرر حزب" و تجربه نفوذ در ارمانها پیش را آزموده بود، و این آزمایش رابه بهای معدوم شدن بیش از ۷۰ تن ار رهبران منقورش انجام داده بود، در دو حادنه پیا پسی و علیرغم تمام اقدامات امنیتی اش، این تجربه رابه بهای سنگینی دیگری تکرار نمود! دیگر آشکار است که رژیم حتی در مطمئن ترین و منافعت شده ترین مراکز خود نیز از دست مخالفین و نیروهای انقلابی در امان نیست. "گروهکها" و "مگس" ها انامی که خمینی در یکی از سخنرانی هاش بر نیروهای انقلابی نهاد، علیرغم آنکه در حال زوال و سادوی "هستمد" اما سران رژیم را که در حصار قطوری از محافظین مسلح بقید در صفحه ۲

طی دو ماونیم اخیر: حدود ۱۰۰۰ کمونیست و انقلابی توسط رژیم جلاد جمهوری اسلامی تیرباران شدند!

دموکراسی انقلابی یا دموکراسی بورژوازی ضد انقلابی! (۱) نگاهی به "متن میثاق شورای ملی مقاومت" در صفحه ۱۰

حمایت کارگران از شورای منتخب خود توطئه مزدوران رژیم را خنتی کرد در صفحه ۳

رهنمود به رفقای هوادار سازمان درباره سازماندهی و وظایف هسته های وابسته

جمهوری اسلامی، در کوتا هترین فاصله حکما عدا م بهترین فرزندان انقلابی خلق را در تهران و شهرستانها ما در نگرده و آنها را به جوخه های اعدا منسپا رند. و این در حالی است که بحران اقتصادی و فقر و فلاکت و گرانی و تورم، به نحو روز افزونی گسلی کارگران و زحمتکشان را می فشا رد و آنها را بطور روز افزون در مقابل رژیم جمهوری اسلامی که در گذشته نسبت به آن دحارنوم و خوش با وری بودند، قرار میدهد.
بقیه در صفحه ۵

رفقا! هم اکنون در وضعیت سیاسی ویژه ای بسر میبریم، رژیم جمهوری اسلامی بدنبال رانده شدن لیبرالها از قدرت سیاسی و قرار گرفتن کلیه مواضع کلیدی قدرت در دست حزب رسوای جمهوری اسلامی بیش از پیش بر سرکوب جنبش توده ای و نیروهای سیاسی کمونیست و انقلابی افزوده و هم اکنون روزی نیست که در گوشه و کنا رکشوردها کمونیست و انقلابی توسط کمیته ها و سپاه ساداران دستگیر و روانه شکنجه گاههای رژیم حاکم نشوند و باز روزی نیست که بیدا دکا ههای

سنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱، سرمقاله ۰۰۰
محمور کشته اند، در خانه و محل
کارشان سیز آرا منمی گذارند
رژیم جمهوری اسلامی ما جزو توان
نظاره گرنا بودی یک به یک رهبران
وسران منفور خویش است بی آنکه
قدرت مقابله و جلوگیری از آن را
داشته باشد، تنها کاری که در مقابل
انجام میدهد، کشتار بی رحمانه
و قتل عام، انقلابیون و مردما سیری
است که در چنگال های خونین
زندانی های قرون وسطائی اش بسه
اسارت درآمده اند.

تردیدی نیست که این ترور -
های انقلابی، ضربات جبران ناپذیری
بر پیکر ضدا انقلاب حاکم وارد کرده و
وارد می آورد. بویژه اگر توجه کنیم
که از یک سو رژیم شرایط متعارف یک
حکومت با ثبات و تشبیت شده را
ندارد و از همین رو ضربات فوق را در
شرایطی متحمل میشود، که بصیران
اقتصادی و ورشکستگی رژیم در این
عرصه پیدا میکنند و بحران سیاسی و
نابسامانی درونی رژیم فوق العاده
تشدید یافته است و از طرف دیگر،
این عملیات در سطح بسیار وسیعی
جریان دارد و مشابیهت چندانی به
عملیات و ترور یک گروه انقلابی
محدود ندارد. در حال حاضر رژیم در
تمام سطوح خود، در مقیاس سراسری
ایران در معرض ضربه های نظامی
قرار دارد و در برابر امواج بی سابقه
- ترین و کم نظیرترین ترورها و
عملیات مسلحانه قرار گرفته است.
با توجه به این ویژگی ها است
که تا شیرات ترورها و عملیات نظامی
فوق الذکر در تضعیف درونی رژیم
فوق العاده بیشتر میشود.

از لحاظ تشکیلاتی، این
ضربات، نه تنها رژیم را از کارهای
مغرب و هدا بیتگر خویش در بالا محروم
میسازد، (و این در حالی است که
رژیم بشدت از لحاظ کارهای مغرب
و مطلوب خویش در مضیقه قرار دارد)
بلکه در ارگانهای سرکوب و اداری-
اش نیز، که ابزار اساسی حاکمیت و
اقتدارش میباشد، پراکنندگی،
انهدام، و تشتت ایجاد میکند. در
مورد اولی مسئله روشن است و
نیازی به توضیح نیست، از دست
رفتن عناصری نظیر بهشتی، راجائی،
یا هنر، قدوسی، آیت و... یعنی
کسانی که یا از طراحان و خط
دهندگان رژیم بودند (نظیر بهشتی
و آیت) و یا کارکنان "معتبر" و
اجرائی رژیم (نظیر راجائی، یا هنر و
قدوسی)، در مورد دوم نیز با توجه
به بی اعتمادی فراوانی که ضربات

وارد در "بالا" در درون رژیم و در
ارگانها پیش ایجاد میکنند، و با توجه
به اینکه بین ارگانها و عناصر
متشکله در پارتی های آن (سپاه،
ارتش، شهرپانی، بسیج و فیلانهای
حرفه ای) مستقیما خود را در معرض
ضربات و ترورهای بی سبب و کینه
رژیم نیز بنا نماند، توانی تمام قوا در
مها کردن آنها و تا سینه شرایط
حفاظت آنها نیست، بی تردید،
انسجام درونی ارگانهای رژیم
دستخوش تزلزل فراوان میگردد.
شواهد نیز بیانگر این مسئله است،
اخبار پراکنده مربوط افزایش
درجه استعفا و فرار از ارگانهای
سپاه و... پراکنده شدن سز دوران
رژیم - فیلانهای حرفه ای در بسیج
و یا خارج از آن - از ترس جان
خوینی تن نهادن پرسنل شهرپانی
به سپاه است های سرکوب هیات ها که
حزبی، تشتت در بدنه ارتش، که در
اخبار رجبیه های جنگ به خوبی
مشهود است، و... نشانها این امر
است. این امر حتی به جایی رسیده
است رژیم (مطابق اخبار روشنی که
از درون آن بدست ما رسیده است)
از تا مین تعداد لازم محافظین مسلح
از ارگانهای سپاه و گنبد و بسیج
برای حفاظت از جان مهره های خود
ناتوان است. طبق خبر دیگری، فقط
سپاه با سداران شیراز تعدادی
بیش از ۱۰۰ نفر از سپاهیان دست
به استعفا زده اند، و یا در کردستان
مطابق خبری در همین روزهای اخیر
تعداد بیش از بیست نفر از جاسوهای
مزدور رژیم در کردستان (که تحت
نامها اصطلاح "پیشروگان مسلمان
کرد" فعالیت میکنند) به نیروهای
جنبش مقاومت و مت خلع کرد خود را تسلیم
کرده اند. حتی وضع بگونه ای است
که رژیم در جایگزینی عناصر جدیدی
در سطوح رهبری خود بجای عناصر
معدوم شده دچار دشواری گشته است.
بعنوان مثال عناصر مرتجع چون
موسی زرگر، وزیر پیشین بهداشت،
حاضر به پذیرفتن این سیاست در
کابینه جدید نگردید و این نیز هیچ
انگیزه ای جز ترس از جان و بیسی -
اعتمادی نسبت به وضعیت و آینده
رژیم نمی تواند باشد.
این اخبار و گزارشات پراکنده
که تنها گوشه ای از واقعیت های
درونی رژیم جمهوری اسلامی را
نمایان میسازد، بیرونی نشان
میدهد که ضدا انقلاب حاکم در چینه
موقعیت خطرناک و نابسامانی
قرار گرفته است. طبیعی است که
این وضع اساسا انگاسا و ضاع

عمومی جا صده، بحران اقتصادی
عسقیق، بحران سیاسی فراگیر، درجه
رشدتضا دها و پیتا نسلی انقلابی
جنبش و... است. و در هشت جنبش
شرایطی است که این ترورها و
اعدام میتوانند در تشدید و ضاع
نابسامانی درونی رژیم نقش موثری
ایفا نمایند.

علاوه بر این ضربات سیاسی و
روانی ناشی از این ضربات نیز
باید موردتوجه قرار گیرد. ضربه
خوردن بی درپی رژیم در سه مرکز
از مراکزگاملا حفاظت شده و سطح
بالای رژیم، اعتبار سیاسی رژیم را
حتی در حفاظت از نیروهای خود،
یکلی از میان برده است و همین
بی اعتباری رژیم را همانند گریز
زخم خورده های به زوزه و ادا کرد
است. عملی که تمام تبلیغات مذبحها
رژیم برای خنثی کردن این اثرات
اکنون دیگر ناتوانی رژیم در
مسدود کردن مجاری این ضربه
رسوای خاص و عا گذشته است: رژیم
تاکنون نتوانسته است، به کیفیت
عمل به نسبت گذاری در نضت و زیری و
دادستانی دست یابد! و این خود
بیرونی از همپا شیدگی سیستم
امنیتی رژیم و عاجز و ناتوانی آن در
حفظ حیات رهبران آن و بطا است
تبلیغات رژیم را عریان میسازد.
عضا برای اینها، طبیعتا شیرات
این حرکات و عملیات بحران سیاسی
مستقیما بر بحران اقتصادی و
افزایش آن موثر واقع میشود که در
اینجا مجال توضیح بیشتر پیرامون
آن نیست.

اما اینها به کطرف قضیه است!
طرف دیگر تا شیرات ناشی از عملیات
ما جرایوبیا نه در جبهه انقلاب است
اینکه این عملیات بر پیکر ضدا
انقلاب با چنین اوضاع نابسامان
درونی اش، ضربه های تضعیف کننده
وارد می آورد، بخودی خود، بمعنای
آن نیست که به نفع انقلاب میباشد
و تا کتیک صحیح و در جهت منافع
جنبش میباشد.

هر چه بیشتر از عمرا بین عملیات
ما جرایوبیا نه میگردد، بیش از پیش
خلطت کودتا گرانه و بیگانگی آن با
تاکتیک های توده ای هدفمند،
میبتنی بیروند عینی جنبش و تناسب
قوای موجود با خلطت بسیج کننده و
سازماندهنده جنبش توده ای، روشن -
تر میگردد.

این عملیات از ابتدای شکل
گیری خویش تاکنون نقش مهمی در
به عقب راندن جنبش اعتراضی
بقیه در صفحه ۷

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



کارگران جاسوسان رژیم را از کارخانه بیرون می کنند

رفیقی گزارش میدهد:
چندی پیش از طرف وزارت کار یکی از مزدوران کمیته را به شرکت ما معرفی کردند. او پس از استخدام شروع به جاسوسی نمود. او دائماً ما را «مخبر کارگران می شد که شما ضد پارتی هستید» و با پیدا زایین شرکت اخراج شوید. او نام ۳۰ نفر از کارگران را هم به مدیرعامل داده و گفته بود که اینها با پیدا اخراج شوند. کارگران با تنفر و خشم نسبت به اینگونه اقدامات به شورا و مدیریت هشدار دادند که اگر تکلیف این جاسوس را معلوم نکنند خود تصمیم خواهند گرفت. شورا و مدیریت تصمیم به اخراج او نگرفتند. آن جاسوس به کمیته دپوشنگا بیت میکند. ما موران کمیته وقتی به کارخانه آمدند و فهمیدند که مشت خسود و مزدورشان باز شده، بسنوا این که او را قوطی روغن نباتی ۵ کیلوگی از کمیته دزدیده و به کارگران هر یک قوطی رایبه ۱۲۰ تومان فروخته بود با خود بردند. به این ترتیب، کارگران، مزدوری را که «بدستور» نام به جاسوسی مشغول بود از خانه خود بیرون راندند و اجرات نکرد با زگرد.

شنیدن سخنان مدیرعامل با زور!

پارس الکتریک: در تاریخ ۶۰/۶/۱ اعلام شد که در ساعت ۳ بعد از ظهر مدیرعامل در دستوران سخن رانی خواهد نمود. کارگران که مدیرعامل را نمی شناسند سرمایه داران و دشمن خود میدانند و از این مرتجع تازه مکتبی شده منفردارند. علاقه ای به شنیدن سخنان او نداشتند. ولی با توجه به جو حضان سو خود سطر دستوران رفتند.

نگهبانان مزدور کارخانه بقیه کارگران را که در محوطه کارخانه قدم میزنند با تهدیدیه اینکه اگر به سالن نیروی دستان را می نویسیم کارگران را مجبور کردیم که تا ساعت ۴/۵ پای صحت مدیرعامل بنشینند. در عرض این مدت درهای دستوران بسته بودند و ما دسترسی خارج بشود. اما این شوه ها مگر تا کی میتواند انجام شود؟

حمایت کارگران از شورای منتخب خود نوطنه مزدوران رژیم را خنثی کرد

در ادامه نوطنه ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی که تاکنون منجر به اخراج تعداد وسیعی از کارگران آگاه و پیروان کارخانه ها شده است، از کارخانه فیلیس نیز ۱۰ تن از کارگران را اخراج کردند. شورای کارخانه، بنا به خواست بقیه کارگران، در یک جلسه عمومی از مدیریت کارخانه خواست که علت اخراج آن ۱۰ نفر را به همه توضیح دهد. مدیرعامل که یکی از عمال بنیاد «ستضعفان» است و بشدت مورد نفرت اکثریت کارگران میباشد، در این باره جز لجن پراکنی و یک مشت حرفهای بی سروته چیز دیگری بر زبان نیاورد. اما کارگران که از موضع ضد کارگری رژیم آگاه بودند مصرانه خواستار توضیح گردیدند و حمایت قاطع خود را از شورا اعلام نمودند. کارگران با تائید سخنان سخنگوی شورا مشت محکمی بر دهان مدیرعامل و اربابانش زدند. مدیریت که وجود شورا را بچون خاری در چشم خود می دانست تصمیم به اخراج اعضای شورا گرفت و دستور داد که از ورود اعضای شورا به کارخانه جلوگیری شود. اما اعضای شورا خواستار حکم کتبی اخراج خود میگردند و چون این حکم آماده نبود به داخل کارخانه می آیند و کارگران را در جریان نوطنه اخراج خود میگذارند. بیشتر کارگران به حمایت از اعضای شورا برخیزند و این نوطنه کشیف را محکوم میکنند. مدیریت کارخانه

فورا حکم اخراج را به اعضای شورای ابلاغ میکنند و از آنها میخواهند که کارخانه را ترک کنند. ما لاجرم ۴ تن کارگری عضو شورای کارگران را بیرون آورده به سمت نگهبانان کارخانه میروید. کارگران ابتدا در دستهای کوچک سی بطور دستجمعی مانع خروج اعضای شورای خود از کارخانه میشوند و باره آنها را به سرکار میگردانند.

کارگران مرتباً میگفتند: ما شما را انتخاف کرده ایم و ما خواهم که شما بسنوا این شما بنده ما باقی بمانید. هر کس از وجود شما ناراحت است خودش بیرون بیرون. حرکت هشیا را به وسع کار کارگران جهت بازگرداندن اعضای شورا، مشت محکمی بر دهان مدیریت و انجمن اسلامی و دیگر خائسین به طبقه کارگران نواخت. بعد از آن کارگران شورا را توسط تشکیل یک مجمع عمومی دعوت بعمل آوردند و این مجمع عمومی به فضای نوطنه های مدیریت و کثافتکارهای آقاییان مکتبی (که مزدوران سرمایه داران هستند) پرداخت.

کارگران، پیش از پیش به ما هیبت اربابان و مزدورهای بی سوگران سرمایه داری پی سردند و با تائید کارکنان شورا اعلام کردند که برای روشن شدن وضع شورا حسی حاضر هستند که به تعطیلات باستانی نروند. اکثریت کارگران با این نظر موافق بودند. همگن کارگران منتظر هستند تا با نمایندگان وزارت کار (در واقع زارت سرمایه!) ملاقات کرده، و قاطعانه آنها بگویند که تنها شورای سرور فاسول کارگران همان شورای است که چون خاری در چشم سرمایه داران است و بهیچوجه اجازه نخواهد داد که اعضای مزدوران انجمن اسلامی و دیگر سرمایه داران رژیم خود را نمایندند کارگران جا بزنند زیرا آنها حسز نماینده سرمایه داران و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیستند.

تشدید بازرسی بدنی کارگران مانع مبارزه شان نمی شود

پارس الکتریک: امروز اول سفید از تعطیلات، هفت نگهبان ما مسور شده اند که جلوی درب ورودی کارگران را دقیقاً مورد بازرسی بدنی قرار

پیش بسوی ایچصاد حزب طبقه کارگر

شبه از صفحه ۱

رهنمود به رفقای هوادار سازمان در باره سازماندهی و وظایف هسته های وابسته

ها و حوزه های سازمانی سازماندهی شده و آن دستا زرفقا که اربساط تشکیلاتی با سازمان ندارند، با مستی خود با توجه به آشنائی نزدیک با سایر رفقای سمپا تیزان و هوادارها یکدیگر تماس گرفته و بر اساس رهنمودهای سازمان، خود را مستعمل کرده و بوظایفی که برای هسته های وابسته تعیین شده است عمل نمایند و در عین حال کوشش کنند تا نزدیک ترین حوزه و کمیته سازمانی ارتباط برقرار نمایند.

هسته های وابسته مرکب از ۳-۷ رفیق هوادار تشکیل میشود. این هسته ها با پیدا زحمت تعدادی از افراد خود محدود بوده و نباید بیش از این خود را گسترده نماید و تقسیم کار و وسیع و همه جا نبیهای را در دستور کار خود قرار دهند. این مساله در شرایطی که کمیت ترور و سرکوب بورژوازی و سطح معمولاً پایین تجارب این هسته ها و ضرورت حفظ امنیت و ادامه کاری آنها حائز اهمیت است و اکیداً باید مراعات شود.

هسته های وابسته اساساً بر مبنای سلولهای موسسه یعنی در کارخانجات، روستاها، آرایشگاهها، ادارات (بزرگ) و محلات تشکیل میشوند. اما در عین اینکه جنبه تخصصی فعالیت خود را حفظ کرده و در بیک رشته از فعالیت بطور عمده مشغول میشوند، میتوانند با سایر سلولها و سلولهای وابسته با هم در ارتباط و همکاری داشته باشند.

روشن است که رفقای حقیقی عضویت در هسته های وابسته را ندارند که از نظر سیاسی - ایدئولوژیک دارای وحدت با سازمان باشند و مواضع سیاسی - ایدئولوژیک آنها را بپذیرند. در غیر این صورت وحدت هسته با سازمان برقرار نخواهد بود.

(ب) - از آنجا که رفقای هوادار دانشجو و دانش آموزان سازمان در سازمان مستقل خود یعنی "سازمان دانشجویان و دانش آموزان سکولار" متشکل میباشند، این طرح ناممکن است که از رفقای وابسته

را بطه با تشدید بی سابقه سرکوب و اختناق ناگزیری تغییر شکل کار و فعالیت تشکیلاتی نبوده و اساس آن مربوط میشود به عدم گسترش حوزه های سازمانی در کلیه موسسات و شهرها و بخشهای مختلف کشور. از اینرو رهنمود ما در باره "هسته های وابسته" ناظر بر دوره گذشته نیست و میباید شرایط جدید و حاکمیت بیش از پیش ترور و سرکوب رژیم، این مساله را بطور مضاعف و با تاکیفد بیشتری مطرح نموده و تغییرات اساسی را در اشکال خاص آن ایجاد می نماید.

هسته های وابسته صرفاً در مناطق و آندسته از موسساتی تشکیل میشود که سازمان در آنجا دارای حوزه سازمانی نیست. موسساتی که سازمان در آنجا حوزه سازمانی دارد، هواداران و سمپا تیزانهای سازمان در اطراف این حوزه ها سازماندهی شده و بوظایفی که از سوی حوزه در رابطه با رهبری جنبش بوده ای، تبلیغات، ترویج بحث و... بعد از آنها گذارده میشود، فعالیت می کنند و آن دارای ارتباط فعال تشکیلاتی (در مقایسه با هسته های افرعی وابسته) هستند. به این ترتیب فعالیت سازمان در بسیاری از شهرها - های کوچک، بخشها و روستاهای کشور و موسسات غیرکارگری و حتی کارگری توسط این هسته ها پیش خواهد رفت و سازمان نیروی اصلی تشکیلاتی خود را در مناطق صنعتی و مناطق موسسات مهم و درجه اول و بویژه در میان پرولتاریای پیشرو ایران بکار خواهد گرفت و در جریان گسترش فعالیت خود بنا بر سیاست گسترش حوس و متناسب با رشد و تکامل این هسته ها، با آنها تماس فعال تشکیلاتی گرفته و آنها را بسط و جوره ارساء خواهد داد. هسته های وابسته بحسب مسیله مهمی از رفقای هوادار را جبهه آنها که هم اکنون در رابطه تشکیلاتی با سازمان هستند و جبهه آنها که دارای حسین ارنباطی نیستند در بر میگیرد. آن دسته از رفقا که دارای ارتباط تشکیلاتی با سازمان هستند توسط خود کمیته

در بحبوحه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، رژیم کوشیده و میکوشد تا برای حفظ حیات سیاسی خود به تنها راه ممکن یعنی سرکوب و ترور و آوری آورده و هرگونه حرکت مخالف خود را به شدیدترین وجهی مورد حمله قرار دهد. اما این ترور و سرکوب یعنی از آنکه بیباک قدرت و استعجاب و شجاعت سیاسی رژیم حاکم باشد، بیباک و ضعیف و زیبونی او از با سخگونی به خواستهای اساسی توده ها و بیباک رشد بازم بیشتر ما از ره طمانی و رودر روئی تره های وسیع تر کارگران و زحمتکشان با رژیم منفور جمهوری اسلامی است. این درست است که تشدید سرکوب و خفقان خود بنحوی غیر قابل انکاری موجب کند شدن آهنگ حرکت اعتراضی توده ها و عقب نشینی موقت آن شده است، اما سمپا را شتاب خواهد بود اگر تصور شود که این کنندی و عقب نشینی مدتی طولانی ادامه خواهد داشت و رژیم بیشتر سده سرکوب جنبش و شکست آن و نشیبت خود را بازگشت دوره رکود، موقتی بود. آرامش نسبی، آرامشی موقت و در واقع آرامشی قبیل ارفوفان است. هرچقدر این سردیدی نمیندوان داند که در آئنده ای بدچندان طولانی، جنس بوده ای سر بلند هم در در سطحی گسترده تروپا همیشگی عمیق تر از گذشته، به پیش خواهد رفت و صوما رژیم جمهوری اسلامی را در هم خواهد سوردید.

با توجه به شرایطی که بدان اشاره نمود، مضمون وظایف نیروهای کمونیستی و ارجله سازمان ما در این مقطع در اساس خود در مقابل با گذشته سازی بکرده و آنچه که در حال و بعیر کرده و با بدندان سوجه داسب، سبوه های کار اسکال سازماندهی، افزایش درجه محقق کاری و... میباشند. ما به هم راهمودی را که ما در سطح کوی در باره سازماندهی و وظایف بحث مسیله مهمی از هواداران و سمپا تیزانهای سازمان تحت عنوان "هسته های وابسته" مطرح میکنیم، اساساً در

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

تشکیلاتی نیز قابل دوام نخواهد بود.

رابطه تشکیلاتی نیز هسته های واسنه به سازمان، نه یک رابطه تشکیلاتی فشرده و نزدیک، بلکه یک رابطه محدود و عمده و عمدتاً از طریق دریافت گزارش های ماهانه هسته صورت میگیرد. اساس ارتباط سازمان با هسته های وابسته، ارتباط سیاسی - ایدئولوژیک بوده و ارتباطی پیکار وره نمودهای آن در زمینه های مختلف انجام میگیرد. سازمان با انعکاس نظرات سیاسی ایدئولوژیک خود، تعیین سعارهای جنبش کارگری، توده ای، رهنمودهای مربوط به سازماندهی جنبش توده ای، مسائل تشکیلاتی، امنیتی و... آموزش هسته های وابسته را بدینست برده و در این زمینه تشریح پیکار رفتی رهبری را برای این هسته ها انجام میدهد.

هسته های وابسته باید در محدوده وظایف خود و بعنوان یک هسته واسنه به سازمان تابع اصول سازمانت لیسدموکراتیک باشند و از این طریق از انضباط بالائی برخوردار بوده و استحکام موزندگی خود را تا مین نمایند. تصمیمات باید بصورت جمعی اتخاذ شود و اقلیت از تصمیمات اکثریت تبعیت نماید و اختلاف نظرات را صرفاً در عرصه مبارزه ایدئولوژیک روشن نمایند در غیر اینصورت هسته وابسته دچار لیسرا لیسمد و عملاً برای وکارت آبی خود را از دست داده و به یک محفل روشفکری تبدیل میشود.

هسته های وابسته میبایند نام مشخصی مثلاً اسمی سهدای سازمان و شخصدی بر خسته جنبش کمونیستی بین المللی و اسران را برای خود انتخاب کرده و سپس نام فعالیت خود را در انجام دهند.

وظایف

هسته های وابسته

الف - وظایف و ضوابط تشکیلاتی هسته

۱- آموزش و مبارزه ایدئولوژیک : برای تامین آموختن ایدئولوژیک هسته سازمان و تامین وحدت درونی هسته و استحکام تشکیلاتی آن بر مبنای مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، آموزش مواضع سازمان و مستقر ایدئولوژیک درون هسته حاضر اهمیت فراوانی است همه موظف

است بر اساس رهنمودهای سازمان در این زمینه بطور فعال آموزش و مبارزه ایدئولوژیک را در دستور کار خود قرار دهد.

۲- انتقاد و انتقاد از خود: یکی از خصایل بارز کمونیست ها، انتقاد و انتقاد از خود است. هر فرد کمونیست موظف است به اشتباهات و خطاهای خود و دیگران توجه کرده و ضمن درس آموزی از آنها، با این اشرفاقت و اشتباهات بطور جدی و قاطعانه مبارزه نماید. انتقاد و انتقاد از خود، سلاح پرولتاریا برای تامین استحکام و آیدئولوژی سازمان خویش است. بدون این سلاح تشکیلات پرولتاریا از برندگی و قاطعیت لازم بی بهره است. لنداً هر هسته وابسته باید مرا انتقاد و انتقاد از خود را بعنوان یکی از وظایف درونی، بطور جدی در مدنظر داشته باشد.

۳- آموزش نظامی و ورزشی: آموزش نظامی و ورزشی و کلا آمادگی بدنی و نظامی از مهمترین فعالیت ها و وظایف هر هسته وابسته است. ورزش صحیحی، کوهنوردی و آموزش نظامی با ایدئولوژی در دستور کار هسته قرار گیرد.

۴- رعایت ضوابط امنیتی: هر هسته باید در چهارچوب وظایف مشخص، اصول مخفی کاری و امنیتی را کاملاً رعایت کرده و بدین وسیله حیات و ادامه کاری هسته را تا مین نماید. اصول مخفی کاری بسیار هسته علیرغم ابعاد محدودیت های بی در فعالیت توده ای، برای تداوم مبارزه و کار توده ای هسته و استحکام آن کاملاً لازم و ضروری است. کوچکترین غفلت در اجرای ضوابط و اصول مخفی کاری، هسته را بسطه تلاشی خواهد کشاند. لنداً آموزش اصول مخفی کاری و فن مبارزه با پلیس سیاسی، از وظایف مهم هسته را تشکیل میدهد که با ایدئولوژی رهنمودهای متخصص سازمان انجام گیرد.

۵- گزارش نویسی: هر هسته وابسته موظف است که هر یک ماه یکبار از فعالیت درونی و بیرونی خود در عرصه های مختلف گزارشی تهیه کرده و به سازمان ارائه دهد. در این گزارش فعالیت هسته، اسکا لابت و سرفیس کار، پیشرفت ها و پیسها ذات بطور خلاصه نوشته شده و مسائل اردرج هرگونه اطلاعات و مسائل اصلی در آن خودداری شود.

ب- وظایف بیرونی هسته

۱- تبلیغ: مهم ترین شخصیت فعالیت یک هسته وابسته، فعالیت

تبلیغاتی است. بویژه در شرایط فعلی که رژیم سیکوشد با حاکمیت خو خفان و سرکوب و جلوگیری از فعالیت تبلیغاتی و انشائاتی گروه های کمونیست و انقلابی، توده ها را از حقایق و واقعیات جامعه دور نگاه دارد و متقابلاً فعالیت تبلیغاتی وسیع اذهان توده ها را دچار انحراف و گمراهی نماید، رساندن اخبار و گزارشات جنبش کارگری و توده ای و نقطه نظرات و مواضع سیاسی سازمان و برنامهداخل پرولتاریا بسطه زحمتکشان و آگاه ساختن آنها نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و افشای جنایات و خیانتهای ارگانهای مختلف و سرمداران رژیم و بویژه شخص خمینی، افشای رو بزیونیست ها و همکاری صمیمانه شان با رژیم حاکم و همچنین افشای لیبرالها و اقدامات جنایتکارانه و ضد خلقی آنها

فردای قیام به ایدئولوژی صمیمانه شان با جناح حزب جمهوری اسلامی و نمایندگین چهاره ربا کارانه آنها به توده ها و در همین رابطه افشای آلترنا تیو لیبرالی - بنی - صدرها هدین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. وظایف تبلیغاتی هسته وابسته را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

الف - تکثیر اعلامیه، تراکت و مقالاتی از پیکار که برای تکثیر تعیین میشود. هم اکنون که سازمان قاعدنیست و اصولی هم نیست که اعلامیه و تراکت و تشریح پیکار را در تیراژ وسیع تکثیر نماید، این وظیفه هسته های وابسته است که با تهیه ساده ترین وسایل چاپ تکثیر با دریا فت حتی یک نسخه و تشریح و اعلامیه سازمان به سرعت و به میزانی که امکان پخش آن سرا دارند، آنها را تکثیر نماید و از این طریق تیراژ اعلامیه ها و مطالبی از پیکار که با ایدئوست و سیمترین قشرهای توده ای برسد بنحو وسیع بالا ببرند.

ب- توزیع و پخش نشریات: توزیع و پخش نشریات پیکار یکی از مهمترین و حساس ترین وظایف هسته های وابسته است. بدون رساندن اعلامیه ها و نشریات سازمان بدست کارگران و زحمتکشان کوچکترین سختی از کار توده ای و شرکت در جنبش توده ای نمیتواند در میان باشد. بدون این کار، تمامی فعالیت های تبلیغاتی سازمان بی نتیجه خواهد ماند. کار پخش، بخصوص در شرایط خفان

به فتوای خمینی، اینچنین باید شکنجه کرد!

در شماره ۱۱۵ پیکار نوشتیم که بدنبال فتوای خمینی داکتر ریز "حلال بودن شکنجه" انقلابیون و کمونیستها، رفیعی کریم ساعی، کمونیست پیکارگری که ۸ سال از عمر خود را در عیار زه کدرا نده بود، در زیر شکنجه جلادان خمینی به شهادت رسید. در شماره ۸۸ "راه کارگر" مورخه ۲ شهریور ماه ترخیصی از شکنجه رفیعی شهید کریم ساعی درج شده است که ما از آن، متن زیر را اقتباس کرده ایم.

پس از ۴ روز اسارت در زندان (تبریز) او را که در آستانه سرگ فرار داشت و بدست خردودرهم پیچیده به نظر میرسید به بیمارستان منتقل کردند ولی به علت ضربات شدید که به سر قفسه سینه اش وارد آمده بود به حقایق حادثه پیوسته مبتلا شده و در بیمارستان درگذشت. تمام بدن رفیق از آثار ضرب و جرح به رنگ کبود درآمده بود. چشمش در اثر ضربات وارده شدیداً متورم بود، بینی و یکی از با زوها پیش را شکسته بودند. استخوانهای سینه اش بسختی آسیب دیده بود، روی شکمش جای زخمی بود، خون استفراغ میکرد و تورم و خون سردگی در بسیاری از نقاط بدنش کاملاً مشهود بود. پاسدار جنا پیکاری که از او در بیمارستان محافظت میکرد بدون توجه به وضع وخامت بارو حالت احتضار در دنیا کاه او میگفت: "چطوری آقای ساعی ساز هم کتاب می خوانی؟" و در پاسخ پرستاری که پرسیده بود چرا ای جوان را به این روز انداختید گفت: "چون این آقا کمونیست است و ما با تمام کمونیستها همی رفنار را خواهیم کرد". یکی از خواهران زینب "ماورئینده" بود که بر سر او بطور محدودیه و سرزنش و توهین گفتگوشی با وی داشته باشد.

گسراسی بسا دیساده ای رفیعی کمونیست!
سنگ و نمرب و مرگ سرجلادان خون آشام!



رفقای "راه کارگر" در ذیل خیر فوق شرحی از شکنجه یکی دیگر از رفقای ما آورده اند که آنرا عیناً نقل میکنیم:

"یکی از رفقای دحتره واداران ما زمان پیکار که در تبریز بر باران ندیطرز و حشتناکی شکنجه شده بود با طوی داغ آفتدر سر بدنش کشید، ه بودند که سر تا سر سرخته بود و سینه هاش کاملاً صاف شده بود، زنی که برای تحویل گرفتن جنازه هرا درش آمده بود، بسا عنا هده بیکر تغیر شکل داده ای رفیق پیکارگر آجنان سهوت ما شده بود که پاسداری با قفسه ق



سرمایه داری
وابسته

تفنگ او را مورد حمله قرار دادند: "توسط حق داری به جازده مال خودت بنگاه کنی". اقدام این رفیق - سر و ختن از هواداران دیگر ما زمان پیکار را از بسا اعلام نموده بود. بسا برای این سهدر ما سل زندان، شکنجه و اعدام جمیع رژیم را برای سده و صبح میداد و میگفت: "قسم خورده ام هر کجا سعی را سیم این اقدامات ما سبستی رژیم را افشا بسا بسا".

خبر دیگری هم حاکی است که برخی از زنان بهر مرده شور خان به بهشت زهرا کار میکنند، بدلیل آنکه به مکرر با اجساد تکه تکه شده دختران انقلابی مواجه شده اند، دچار نوعی بیماری عصبی شده اند.

<p>از هر طریق ممکن برای سازمان لوسال نمایید</p>	<p>رفقا! با تقدیر از کمک های مالی شما، کمک های مالی خود را</p>	<p>نفسه از صفحہ ۱۴ آدمکشان ۵۰۰ حرب الهی های محل که از این همه استقبال عمومی و حنت کسره بودند هادی غفاری سردسته جماهداران را حبر میکنند. غفاری هراه با ۲۰۰ - ۳۰۰ صلح به محل آمده و حمله هائی که برای سوکواری کدا شده بود سده خرد میکنند و با چند ما سور محل را سرگ می بسا بسا این حادثه و ابل شهر بورا تفاق افساده است.</p>
---	--	--

دانگاه های فاشیستی حکومت خمینی نابود باید گردند!

هستند که رهبران کنونی جمهوری اسلامی و منجمد خمینی قبل از قیام به حکم اجبار و فشار انقلاب و وفاداری خود را بدین اعلام کرده بودند. همین خمینی در پاریس اعلام نمود که در جمهوری وی، مارکسیست ها آزادند عقاید خود را بیان کنند و به فعالیت بپردازند. اما تجربه دو سال ونیمه حکومت آنان نشان داد که "مارکسیست" های آزاد در رژیم جمهوری اسلامی "مارکسیست" هایی از نوع حزب توده و "اکثریت" هستند که قطعا بسا مبارزه طبقاتی، یعنی جوهر اساسی مارکسیسم دشمنی میکنند و آن را به شیوه بورژوازی درک میکنند و عمل نمینمایند. ما هم واقعی "میشاق" نامی مدعی صدر، که هم اکنون رهبران سازمان مجاهدین بدان توسل جستند، را از روی کردار واقعی وی و دیگر رهبران بورژوا لیبرال، در هر شکل و لباس آن (یعنی سلطنت طلبان و جمهوری خواهان لیبرال) در دوران پیش و پس از قیام میتوان درک نمود. همان کرداری که آقای سنی صدر، در حال حاضر بدان افتخار می نماید و آن را حقا نیست خویش ساخته است.

بورژوازی لیبرال ایران و در رأس آن شخص بنی صدر مهمترین ویژگی و خصیصه برنا به خود را "آزادی خواهی" و اعتقاد به "دموکراسی" می دانند و عمدتاً از همین زاویه بود که در گذشته وجه در حال بر جناح دیگر یعنی رهبران کنونی رژیم جمهوری اسلامی میثاق ختنه (و اکنون هم می - تا زند) در میثاق نامه سبز این نکته مورد تاکید فراوان قرار گرفته است بنی صدر در "میثاق" نامه خود می - نویسد: "۲- آزادی به مثابه بازتاب انقلاب در سیاست داخلی، به معنویان به عدم جمهوری اسلامی پذیرفته بود. "و سپس تکلیف دلخواه حکومتی را که میتوانند این "آزادی" را تا همین نماید، یعنی مضمون "دموکراسی" و به مثابه تکلیف دولت مورد نظر خود را جنس بیان میکند: "بازگردانیدن انقلاب به مسیر خود نه تنها مستلزم پایان بخشیدن به این گونه ولایت و استبداد است بلکه (چون نظیر این ولایت در ولایت اجزایی که پس از سیروزی، استیلا برقرار میکنند نیز وجود دارد) ممنوع ساختن ولایت استبدادی، حزب و جبهه و... را نیز ضروری میگرداند. این جمهوری همانطور که در جریان انقلاب اسلامی و از اسباب مشروطیت به معنوی استقرار یافته بود، هرگونه ولایتی تنها از طریق آراء عمومی و اراده آزاد مردم کشور قابل اعمال است و پس ("متن اصل میثاق شورای ملی مقاومت")

وقبل از این گفته نیز در توضیح "استبداد شخصی"، انواع آن را در "استبداد دینی"، "استبداد شاهنشاهی" و "استبداد ایدئولوژیک" خلاصه می کنند و آنها را مورد نفی قرار میدهد. این شکل حکومت مورد نظر "میشاق" مطابق مندرجات آن آنگاه موظف به اجرای "آزادی بیان" و "الفوسا نسور" آزادی اصل انتقاد" و... میباشد تا بر اساس آن بتوانند "شعور عمومی" مردم را ارتقاء دهند و بدین ترتیب "راه را بر عمال آمریکا" در ایران بندند "استقلال" را تا میان نمایند. این "دموکراسی" به مثابه شکل حکومتی مورد نظر "میشاق" مطابق گفته های رجوی، همان نکته ای است که سازمان مجاهدین را با بنی صدر ویا "شخصیت" - های نظیر ایشان (مثلا امثال سید جوادیه...) ب"توافق" رسانده است و با آنها ائتلاف آنها را تشکیل داده است.

دموکراسی، و آزادی، همان کلمه - ای است که در طول تاریخ بیشترین سوءاستفاده ها از جانب بورژوازی نسبت به آن صورت گرفته است. بورژوازی همواره کوشیده است که خلعت تاریخی - طبقاتی ایمن بقوله را استوار نماید و دموکراسی بورژوازی را چیزی ما وراء طبقات و تاریخ، و خرافات همه "مردم" جلوه دهد. در دوران اولیه تکوین و رشد سرمایه داری در اروپا، بورژوازی، علیرغم آنکه بلحاظ تاریخی طبقه ای پیشرو و مترقی و از همین زاویه به دموکراسی مورد نظرش به نفع تکامل تاریخی و جا مضم بود، لیکن همواره تلاش میکرد تا این واقعیت را که "آزادی" و "دموکراسی" مطلقاً مربوط بورژوازی، نه تنها استعمار و استعمار طلبانی را از میان نمیدرد و نه تنها آزادی را برای طبقه کارگر و سوا پیر توده های زحمتکش با همگان نمی آورد، بلکه نوع جدیدی از رقابت و بندگی طبقاتی و شکل نوینی از استعمار طبقاتی را مستقر نماید، پوشیده نگه دارد. از آن پس تاکنون یعنی در دوران فعلی، عمده ترین مسئله نیز که بورژوازی و دموکراسی آن تاریخ خلعت ارتجاعی یافته است احزاب و رهبران بورژوا همواره از این کلمه به نفع تحکیم پایه های مستطیقاتی بورژوازی و استعمار و جنبش نه طبقه کارگر سوءاستفاده نموده اند.

لازم نیست به نمونه ها و مثال های تاریخی مراجعه کنیم تا این نکته را روشن سازیم در همین تاریخ جنبش علیه انقلاب ایران، عملگردهای بورژوازی لیبرال، بروشنی این نکته را آشکار میسازد. در دوران شاه رهبران و احزاب فدا انقلابی

بورژوازی لیبرال، همچون جبهه ملی نهضت آزادی (که مجاهدین آنها را نیروهای مترقی خواه می نامید)، خواهان تبدیل دیکتاتور فسرده شاه و مشارکت بیشتر لیبرالها، به همراه نمایندگان سرمایه انحصاری وابسته، در قدرت سیاسی بودند. شعار آنها نیز چیزی جز سلطنت مشروطه نبود. بعدها نیز، اگر تحت فشار جنبش ناپاچار به پذیرش جمهوری شدند این تغییر، نه تنها نشانه چرخش لیبرالها نبود، بلکه دقیقاً ناشی از تکامل و فشار جنبش و انقلاب و نشانه این بود که بورژوازی لیبرال برای خیانت به انقلاب و به شکست کشاندن آن حتی حاضر است لباس جمهوری خواهی را نیز بپوشد. معاف هر اینکه جمهوری مورد نظر آنها، هیچ تفاوت مفهومی و اساسی با استعمار سلطنت مشروطه آنها نداشت. آنها کماکان تحت پوشش "دموکراسی" و "آزادی" خواهان دیکتاتور طبقه ای بورژوازی، حفظ و بقای سرمایه داری و وابسته و سلطه امپریالیسم بودند.

پس از قیام و استقرار دولت لیبرال بازرگان، نکته فوق بوضوح روشن گردید و هرگونه توهم از روی "آزادی خواهی" و "ملی بودن" بورژوازی لیبرال در تجربه عملی توده ها زده شد. دولت بازرگان نه تنها بلافاصله به بازسازی مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم سوئیسی پرداخت بلکه برای تحکیم مواضع و استقرار دولت بورژوازی - که در جریان قیام ضربه دیده بود - سرکوب کارگران و زحمتکشان و خلقها را در دستور گذاشت. به شورا های مترقی و واقعی حاصل قیام و مبارزات کارگران در کارخانه ها و مه بساطت حمله بر سرکوب در کردستان را بی درنگ در دستور کار خود قرار داد و...

بنی صدر نیز که از زیرک ترین رهبران لیبرال بود در دوره دولت موقت، با عدم شرکت خود در ارگانهای اجرائی خود را به مثابه یک نسیرونی ذخیره برای رهبری آینده رژیم بورژوازی در لحظات بحرانی آمادگی می ساخت. پس از انتخاب به ریاست جمهوری رژیم، به شکل ظریفتری همان سیاست پیشین را در دستور کار خود قرار داد. او که با شعارهای فریب طلبانه کارانه ای از قبیل "آزادی"، "امنیت" و... پای به عرصه میدان گذاشته بود، در فرمت کوتاهی معسای واقعی این کلیات را در عمل کرد خود به نما پیش گذاشت. افسانه فریبکارانه "بانفک بدون بهره" در مدت کوتاهی واقعیت خود را آشکار ساخت. و روشن شد که با نکجا به مثابه شریکان حیا تسمی سرمایه داری، بدون بهره، آ



موجودیت خود را از دست نخواهند داد و معلوم شد که شعار قبلی صدر دلال بر آن میان بردن "ربا" و "بهره" جز شعاری کاذب و برای فریب توده ها نبوده است از همین رو این شعار دروغی نیست نیز پس از مدتی مزورانه مسکوت گذاشته شد و با نکها کما کان، همچون گذشته - همچنان که از قبل نیز روشن بود - به حیات انگلی و تنگین خود برای شرکت در استیصال و غارت توده ها توسط امپریالیستها و سرمایه داران ادامه دادند.

بنی صدر، با حمله به شوراهای مترقی، که در کار تملیک سرمایه داری "اخلال" ایجاد میکردند و بواسطه رهبری مبارزات کارگران، حیثیات سرمایه داری را در معرض خطر قرار میدادند، ماهیت دروغین آزادی - خواهی خود را برملا ساخت. وی تنها آنجا پیش رفت که در مقابل خواست کارگران و دیگر زحمتکشان، یعنی بر حفظ شوراها، فریاد برآورد که "شورا پورا مانید". در دوران زمانه داری وی، رژیم جمهوری اسلامی کما کان، به تعرض خویش به این نهادها - توده های ادامه دهنده و سرکوب و متلاشی کردن آن پرداختند.

در دوران زمانه داری بنی صدر، تحت رهبری خود و نیز، حمله به کردستان و سرکوب خلق کردستان یافت، بنی صدر برای درهم شکستن مقاومت توده های کرد، که مسلحانه از دستاوردهای خود دفاع میکردند، به سربازان ارتش فرمان داد که تا "سیرون کردن ضد انقلابیون پوتین" ها را از یاد درنیا برند" (نقل به معنی از گفته بنی صدر در آن موقع) در دوره ریاست جمهوری وی، کردستان صحنه وسیع ترین و بزرگترین نبردهای میان انقلاب و ضد انقلاب ها کم و بیش فجیع ترین کشتارها و قتل عامها بود.

بنی صدر همان بود که پس از ترور فتحیج رهبران انقلابی خلق ترکمن، بیشتر مانده آنها را داشت که اگر من رئیس دادگاه بودم آنها را محاکمه و به اعدام محکوم میکردم. (نقل به معنی از گفته های وی در آن زمان) بنی صدر کسی بود که در دوره زمانه داری وی، بسیاری از ملیت و سربوهای مشرقی مورد حمله قرار گرفته و توفیق ندیدند، دهها نفر از هواداران سیروهای انقلابی و کمونیست و محمله سال زمانه، بدست جلادان رژیم اعدام شدند، آنهم به جرم وفاداری به آرمان زحمتکشان اما بنی صدر در قبال همه آنها - موضع نا شیدا میزدانست و با مزورانه سرای مطهریگاه داشتن خود (پس از او حکمرانی تاندهای درون رژیم) و

فریب توده ها سکوت اختیار میکرد.

... آری این است کارنامه بنی صدر در دوران زمانه داری وی، و معنای دموکراسی و آزادیخواهی بنی صدر کارنامه کسی که اکنون مزورانه دم از دموکراسی و آزادی، آزادی بیان، لغو سانسور، آزادی احزاب، ضرورت وجود شوراها، "آزادی اقوام"، ... میزند و به "استبداد" حمله مینماید! بنی صدر هم اکنون بین کارنامه سیاسی را با به افتخار رو سینه حفا نیست خوش میداند. زهی بیخوشی و فاجعه! آنچه که رهبران دوران بنی صدر و بویژه بنی صدر را هم اکنون بد چینی مرفه گری و تانک لفظی انقلاب و کثاندن است، نه دفاع از منافع زحمتکشان و دموکراسی انقلابی بلکه ضرورت ایجاد آنچه در شکلی از حکومت است که بتواند نظام حاکم را از خطر انقلاب، محفوظ دارد و پاپیه های آن را در فریبنده ترین پوششها محفوظ نگاه دارد. مخالفت بنی صدر با استبداد خمینی و ولایت فقیه و ... بیش از هر چیز ناشی از آن است که او این استبداد و شکل عربان و عقب مانده اعمال حکومت را عاملی جهت فوران و غریزش سریع انقلاب و در خطر قرار گرفتن حیثیات کل نظام، میدانند و از این خطر است که او این چنین هراسان است بهیچوجه نیست که بنی صدر تا آخرین لحظه و برش قطعی از ارتجاع حزبی، به آنان هشدار میداند که در چاهی که کنده اند خود فرو نخواهند افتاد. لیکن حزب جمهوری آنگاه را کردند بود که به نفعهای دور اندیشانه بنی صدر برای حفظ نظام حاکم و منعی تنها دوا و ربا بود چکمه پا از حکومت رانده و از آن پس بود که بنی صدر راه به اصطلاح "انقلابی گری" را در پیش گرفت و خواهان از میان رفتن "استبداد شخصی" آیت -

الله خمینی، یعنی کسی که تا دیروز و آخرین لحظات برکناری اش خود را مریخ بری میخواند، کرده است.

آری دوستان محترم، آقایان رجوی، این است مضمون و محتوای واقعی "دموکراسی" مورد نظر سر بورژوازی لیبرال و دشمن بنی صدر، این چیزی است که شما با اختلاف خود بر آن پرده های ترمیمی انکسید و ذهمن شده تا را شوش میکنید. لازم نیست که در بحث تئوریک این مسئله را روشن کرد که مضمون واقعی طبقاتی شما را و مطالبات بنی صدر و امثالهم چه میباید شدیک نظر کوتا به همین کارنامه حکومتی وی و یک جستجوی ساده در لایه لای سطوح "مشفق" و "انضباطی" شعارهای فریبنده آن بسا این کارنامه - کارنامه ای که بنی صدر در خمین "میشاق" نامیده است -

بقیه از صفحه ۴ نفعگران ۰۰۰

این است نتیجه بستن شیر نفت به روی امپریالیستها در زمان فیما که نما حالا به آن توهین میکنید؟ غرضی میگوید "من کی این حرف را زدم؟ توهین کردم؟" و آن شخص میگوید: "شما خودتان الان به اعتصاب کارکنان نفت در آن موقع توهین کردید اگر قبول ندارید بنی صدر صدایتان را ضبط میکنند بگردانید و بشنویید." غرضی میگوید "نوار چیه آقا بنشین آقا و تشنج در سالن بالا بگیرد. پاسدارها به تکا پومی - افتند و غرضی میگوید: "این مردک احمق کیه که این حرف را میزند؟" بعد از این جریان غرضی اشاره می کند که از کلیه حقوقها ۱۰ درصد کم خواهد کرد زیرا دولت ۸۰ درصد بودجه اش صرف حقوق بگیران می شود و در صد آن فقط صرف کارهای عمرانی و ... در این موقع عده ای دیگر از کارکنان حاضر در سالن مشتهای خود را بالا میبرند (بسه علامت اجازت صحبت خواستن!) پاسداران به این عده میگویند: "لطفا صفت بالا نبرید دستها را باز بالا ببرید" یکی از حاضرین خطاب به غرضی میگوید: "آقای غرضی بجای کم کردن حقوق ما برویستد سرمایه گردن کلفتها و سرمایه داران از ایشان بگیریید" جلسه با گسردن کلفتی های غرضی پایان گرفت. اکثر کارکنان از نحوه برخورد غرضی ناراحت بودند و با دلخوری و بیچ سالن را ترک گفتند.

خبر دیگری حاکی از اینست که بدستور رئیس پالیسیگاه و غرضی ۵٪ از حق شیفت کارکنان شیفتی کم گردیده است و از حقوق کلیه کارکنان پالیسیگاه هم ۱۰٪ کم خواهد شد.

افتخار می نماید، میتواند اندام بسن واقعیت را روشن سازد.

بنا بر این روشن است آنچه چیزی که به زعم آقای رجوی مورد توافقی سازمان مجاهدین و بنی صدر قرار گرفته است، نه دموکراسی انقلابی بلکه دموکراسی ضد انقلابی بورژوازی لیبرال است که مجاهدین عملاً زیر پرچم آن غزیده اند.

اما معنای دموکراسی انقلابی، از نقطه نظر پرولتاریا حسب وجهه فرقی میان آن با دموکراسی بورژوازی لیبرال وجود دارد این مسئله را در دنیا له مطلب در شماره آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد و مسئله تئوریک را که سر مسئله دموکراسی توسط مجاهدین صورت میگیرد بدیجتر نشان خواهیم داد.

ادامه دارد.

بقیه از صفحه ۱۵ رفیق ۵۵۵

بارها از طرف پاداران - مزدور
سرما بیه دستگیر شد. یکی از این
دستگیریها در رابطه با تصویب
خواستگاه های دانشجویی بود که رفیق
هم همراه سایر رفقا پیش دستگیر شد و
پس از ۴ روز آزادگشت. رفیق در
سیاسی از محلات کارگرنشین
تهران از جمله خاک سفید به فعالیت
سیاسی و آگاه نمودن توده ها
پرداخت. رفیق مجتبی با بسیاری از
کارگران کردار تباط داشت و
همواره آرزو داشت که در کردستان
در صفوف خلق مبارز گردید اما
مبارزه خود بر علیه فقر و ستم سرما
به - داری بپردازد اما ارتجاع این
فرهنگ زابها و ندادوی همواره در
جمع آوری کمک از رفقا و دوستان
برای کومه له و خلق رزمنده کسر
کوشا بود. رفیق قدرت بسیاری نیز
در انتقال آگاه های سیاسی و آموزش
مسلح به کارگران و زحمتکشان
داشت. رفقای کارگر که در ارتباط
با رفیق مجتبی مسلح را شناختند،
بفویبی از این قدرت وی آگاهانند
در جریان مبارزه با دشواری یک
"وحدت انقلابی رفیق بطرف
"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه
کارگر "سنگری نمود و با آن مشغول
فعالیت شد. در ادامه مبارزاتش در
۱۹ تیر ماه توسط مزدوران رژیم
دستگیر و در سحرگاه ۳۱ تیر ماه ۶۰
پس از ۱۲ روز دستگیری به همراه
۱۵ رفیق همزمن به اتهام مدافع
از آلمان طبقه کارگر به خوفا عدم
سپرده شد و قلب سرخ و پر خروش از
تشنه آبنا دبا آتش گلوله دشمن ،
با آتش دشمن و جلادان جمهوری
اسلامی ، قلب پراز کینه اش نسبت
به پاداران ظلم و سرما به ویر از
شق نسبت به رهائی کارگران و
زحمتکشان از حرکت ایستادگی
هدفتی که برقراری سوسیالیسم
راهش که آگاه هی نوده ها و سلاحش که
ما رگسیم - لنینیسم بود ، همواره
رسیده است. وفردا که توده ها به
ما هیت سرما به دارانه و حنا یست -
کارانه جمهوری اسلامی بی بردند و
فهمیدند که تنه راه نجات سوسیالیسم
از راه برقراری جمهوری انقلابی
دموکراتیک کارگران و زحمتکشان
است ، بیروی آنها تبدیل به میلی
جوا هتد که به نینها جمهوری اسلامی
بلکه هر رژیم سرما به داری را برای
همیشه ارجا حوا هتد کند. به حون پاک
و سرخت سوگند ما دیکسیم که نسا
رسیدن به هدفش را رهائی کارگران
و زحمتکشان ارسیم سرما به و برقراری

درباره شعارها

رفقا، اعضا و هواداران!

- - مکتب خمینی، همان مکتب شاه و همان مکتب هیتلر است!
- - رژیم جمهوری اسلامی، رژیم ترور و تیرباران، رژیم سرما به و ستم!
- - سران جنا بیکار رژیم بچسرم حیا نت و کشتار در راه دگانه خلقی ما کسه با بیدگردند!
- - ننگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار مردم هیتلر کمنیست و انقلابی!
- - دگانه های فاشیستی حکومت خمینی نسا به دسا بیدگردند!
- - رژیم جمهوری اسلامی، حامی سرما به دار دشمن زحمتکشان!
- - زندانی سیاسی به همت توده ها آزادی بیدگردند!
- - نان ، مسکن ، آزادی!
- - مزدوران و چا بسوسان رژیم را در هر کوی و برون نسا ساشی و رسوا کنید!
- - انجمن اسلامی، این لایحه سوسی نسا بود با بیدگردد، شورا های واقعی ایجاد با بیدگردند!
- - کارخانه ، مدرسه ، اداره و روستای خود را به کانون مقاومت و مبارزه علیه رژیم تبدیل سلسل نسا شیم!
- - کارگران در برابر توطئه اخراج دسجستی از کارخانه ها سسه مقاومت بر خیریم!
- - در اشتزاز با دیر جم ما و ستم توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی رسده با دمبارزات کارگران قهرمان ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی!
- - کارگران جهان متحد سوبدا!
- - حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقها ست!
- - مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با ارتجاع داخلی نیست!
- - روی بیوسیم را در هر پوستی افشا و طرد نسا شیم!
- - سرتگون با در رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!
- - برقراری جمهوری دمکراتیک خلق!
- - زنده باد سوسیالیسم!

رژیم منفور جمهوری اسلامی از
آگاه های انقلابی میهراسد، زیرا
میدانند در صورتیکه کارگران و
زحمتکشان ایران آگاه گردند و به
ما هیت ارتجاعی حکومت سرما به
داری حا کمپی برسند، دیگر اجازه
نخواهند دادنا جلادان تروریست و
سرما به داران خونخوار بر آنسان
حا کمیت داشته باشند. به همین خاطر
رژیم جلاد جمهوری اسلامی مذبحخانه
میگوشد تا با دیکتاتور سیاه و
جنا بیکارانه خود کمنیستها و
انقلابیون را نسا بود کرده و از تبلیغات
انقلابی و آگاه گرانه آنان جلوگیری
بمسل آورد. اما رژیم جلاد خمینی این
هدف ارتجاعی را با یدبا خود سه گور
ببرد. کمنیستها و انقلابیون از برای
نمی نشینند. آنان شجاعانه و بسا
قدرت تمام در جهت آگاه ساختن توده
ها فعالیت میکنند و انقلاب را
تدارک می بینند.

رفقا! برای آنکه بتوانیم
تبلیغات ضد انقلابی رژیم را در میان
توده ها هر چه بیشتر افعال انجام
برای آنکه بتوانیم ما هیت ارتجاعی
آنرا در پیشگاه کارگران و زحمتکشان
ایران بیش از هر زمان دیگر رسوا
بیا زیم ، ما هیت فعالیت تبلیغاتی
خود را بطور بسا بنه ای گسترش دهیم
پورا بین رابطه بخش مرتب و بیکیرانه
نشریه "بیکار" و تکثیر مجدد آن و با
مقالات آن از اهمیت فوق العاده ای
بر خوردار میبنا شد. به علاوه شعار نویسی
بر روی دیوارها و هر آن کجا کما مکان
دارد و در خدمت آگاه هی توده ها ستامر
بسیار مهمی بشما رمی آید. رفقا!
میبا یست با شعارهای انقلابی خود
کارخانه و اداره ، کوجه و بسا زار و
خلامه درودیوار شهر را آدین بسب و
بدین ترتیب برده ان یا وه گویان
رژیم و دستگا ههای تبلیغاتی آن
مشت محکمی کوبید.

این شعارها عبا رتننداز:
■ - مرگ بر خمینی جلاد!
■ - مرگ بر خمینی! اما م تا زبانه و دار!

سوسیالیسم یک لحظه از پای نشینیم
ننگ و نفرت برد دشمنان
جمهوری اسلامی
برقراری جمهوری انقلابی

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

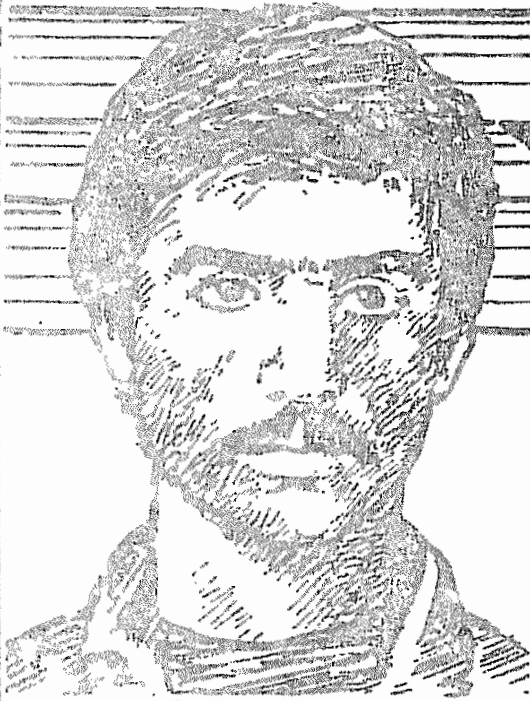
رفیق شهید مجتبی زرگری:

پاسداری که باید پیش مارکسیسم - لنینیسم به سازمان پیکار پیوست

کارگران! زحمتکشان! متنی که در زیر میخوانید، به وسیله همزمان و همسرگاران رفیق مجتبی تهیه شده و در منطقه خاک سفید پخش گردیده است:

کارگران و زحمتکشان خاک سفید!

پا خیزید و به اعدام و حبس پانده رهبان گمونیست و انقلابی خود اعتراض کنید!



این دلیل رهبران شما - کسانتی را که به شما این آگاهی را می دهد تیرباران میکند. یکی از مبارزان را که بسیاری از شما با چهره صمیمی اش آشنا هستید و شما مدبر خاصی از فعالیت ها پیش بودید - رفیق مجتبی زرگری است. این رفیق کمونیست زندگی را در راه آگاهی و پرهائی کارگران و زحمتکشان از بنم ظلم و جور و سرما به گذاشت و به همین دلیل پاسداران سرما یسه پیکردست و چشم بسته اش را به رگبار بستند و افتخار بر او و همزمانش!

رفیق در سال ۱۳۳۲ در یکی از شهرهای آذربایجان در یک خانودا از زحمتکش بدنیا آمد. دوران تحصیل ابتدائی خود را در همانجا گذراند و به همراه خانواده خود برای ادامه تحصیل به نهران آمد. رفیق از همان کودکی با پوست و گوشت خود با زندگی پر از رنج کارگران و زحمتکشان آشنا و در میان آنان بزرگ شد. همین زندگی و آشنائی با دردها ورنجهای طبقه کارگر رفیق را از خصلتهای توده ای در بر خورده به آنان بر خوردار نمود، زیرا که در میان آنان زمینه و یا آنگاه بزرگ شده بود. به همین دلیل او همواره دنبال علت و ریشه این بدبختیها بود تا با آن به مبارزه بر - حیزدو زمانی که به این ریشه ها یعنی نظام سرما به داری که عامل

روزی نیست که رژیم جمهوری اسلامی خیرتیرباران فرزندان کمونیست و انقلابی شما را در میدان های تیروزندانها پیش نهد. هیچ از خود پرسیده اید چرا؟ چرا قلسب سرخ کمونیستها و دیگران انقلابیون است که به وسیله گلوله های رژیم سوراخ میشوند؟ چون کمونیستها اعمال جنایت کارانه کشتار و سبب آن مزدوران جمهوری اسلامی را در کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه ها افشا میکنند. چون کمونیست ها ما هیت سرما به داران رژیم را برای افشا سموده اند. سوده های ۱/۲ میلیونی سرما به دارانش را فشا کرده. به خون کشیدن کارگران سبک را صفهان، درود، کشتار کارگران شهرک صنعتی البرز و... را افشا نموده. چون کمونیستها به شما کارگران و زحمتکشان میگویند شما باید متحد و متشکل شوید و نظام سرما به داری را از بین ببرید. فقر فلاکت، بی خانمانی، بی مسکنی، بیکاری فقط وقتی از بین میرود که نظام سرما به داری از بین برود. چون کمونیستها به شما میگویند که پیروزی شما فقط و فقط در سر انداختن نظام سرما به داری و قدم نهادن سوی سوسیالیسم امکان پذیر است.

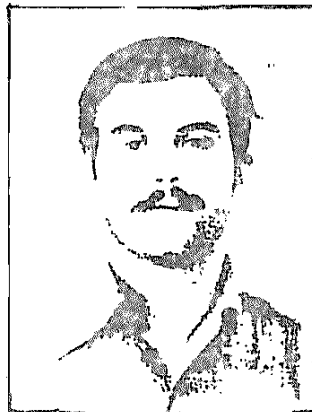
رژیم جمهوری اسلامی از نیروی آگاهی و اتحاد شما می هراسد و به

همه دردها و بدبختیهای زندگی خود و اطرافیان خود می برد. به سنگ بنیاد نظام سرما به داری است. رفیق در سال ۵۹ در پیکار عالی با زرگری لیرل شد و همراه با آغاز جنبش انقلابی مردم ایران در سال ۵۷ ساعات و تظاهرات، اعتصابات و اعتراضات توده ای شرکت نمود. در سال ۵۷ به علت داشتن عقاید دینی و شرعی و شوق انقلابی بدیاراتی پرداخت اما کینه طفاقی وی به نظام سرمای - داری باعث شد که سبک برداشته ما هیت سرکوبگران سرما به داران این مزدوران سرما به داری پیدا کرد. شبها بر روی دیوارها به نشانه شستن شعارهای انقلابی و پخش اعلامیه های کمونیستی پرداخت و با لایحه از آنجا بیرون آمد. در آن هنگام در سال ۵۹ در راه مبارزه با رژیم سرما به داری با رفیق در این سال قرار داد. رفیق در این سال مبارزه با دشمنان مبارزانه است. همکاری میکرد و در ادیبهت ۵۹ با تکلیفات وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر شروع به فعالیت نمود و او را آنجا که بی گیر در راه رسیدن به هدف دارای فعالیتها توده ای و صمیمی و عشق عمیق به کارگران و زحمتکشان بود، خیلی سریع از افراد فعال تشکیلات شد. رفیق مجتبی

بسمه در صفحه ۱۳

فنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار صدها گمونیست و انقلابی!

رفیق محمدرضا خسروی، ستاره سرخی دیگر



کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی، ناقوس مرگ رژیم را می نوازند



حما مخرنی کدر ز سمر مایه داری
و ای بسدا پیران سراها انداخته همچنان
دا پیرا سب و خمیسی این ضحاک زینت
زمان ما، هر با مدادان ازل و مفرز
جوانان انقلابی و کمونیست خوراک
می طلبید! این زالوی خویشوار
ارتجاع را سبزی در کار نیست و تنها
خاک کور میتوانند از نجات خرم خورده
حاکم را از خونخواری بازدارد. حدود
هزار شهید انقلابی و کمونیست طسی
دوماه! این رکورد جاسات و نسنک
تاریخی را کمترین رژیم ضد خلقی
شکسته است. خمینی با هنج حیل و
ترفندی دستان خون آلودش را
نمی توانست سویدنا ما و در بنا ریج
ایران سبوان یکی از زما مداران
خونخوار ریسکی بد نشیب رسیده است
اوبه ناسودی سبل انقلاب کمربسته
است ولی از هر منظره خون شهیدان
کمونیست و انقلابی پر خمی سرخ قد
سرمی افرازد و در جاده پیرمخا طسره
سرخ سبروزی رهروان بشمار راه
رها سی گارگران و زخمیکشان را
بسوی قندتا سناک عوسا لیسیم
هدا یب میکید. هر قطر دجور شهیدان
ما میخی دسکرتا بوب اریج سماع
و امیرنا لیسیم سکو بند و طسین آن مرگ
دشمنان خلقی را صلا سیدهد.

در اس شماره رفیخی دیگر،
کمونیستی بر نلش و بیکا رگیرا که
جان در راه آزادی طبقه کارگر شهید
معرفی میکیدیم. کارگران و زخمیکشان
این یاران باوقای خود را همواره
در قلب خویش رسده نگاه خواهند
داشت.

رفیق رضا محمدرضا خسروی (سادر) که

ایمان به مبارزه طبقاتی و ابشار
در راه درخمشکان را با تمام وجودش
آگاهانه پذیرفته بود و وظیفه اساسی
و سبب هر کمونیست را فعال لیست
انقلابی در بین کارگران و زحمت -
کشان ایران دانسته بی از مدتی
کمتر از دو سال و همزمان با اوخ -
گیری جنبشی تواننده خلقهای دلیرمان
به ایران بازگشت و وارد دانشکده
فنی شد در ابتدا، رفیق با وجودیکه
از تجربه مبارزاتی کمی در رابطه
با طبقه کارگر برخوردار نبود ولی با
انرژی و بیستکاران و فراوان و با شور
بفشار صفحه ۱۶

۳۱ بهار از عمر خویش را سب سرکدارده
بود در سال ۳۹ میلادی، و از استعداد
وهوش فراوانی برخوردار بود و در
۱۵ سالگی موفق شد به ارتبه اول
دوره دبیرستان را پیاپی بگذراند.
او برای ادامه تحصیل به آمریکا
رفت و از همان ابتدا در رابطه با
مسائل و مسائل دانشجویان ایرانی
خارج از کشور قرار گرفته و سبب
فعالیتی مستمر بر ضرر رژیم و استبداد
به امیرالایسم شاه خاش در صفوف
کنفدراسیون جهانی دانشجویان
پیرداخت. اما او که از همان ابتدا

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق